

2011. 11. 27

ترجمه: دوكتور محمد اكبر يوسفی

دولت درانی

(مالیه و سیستم مالیاتی. عایدات و مصارفات دولت)

«یوری گنگفسکی» (Juri Gangowski)

دوكتور علوم تاریخ

(قسمت اول)

عواید اساسی شاه درانی را، به اصطلاح مالیات- دیوان، «مالیات دیوانی»، بعبارت دیگر، مالیات مستقیم و غیر مستقیم تشکیل می داده است. این اقلام عمدتاً از مالیات جنسی یا غله (Natura) بدست می آمده است. مالیات نقدی در خزانه دولتی و مالیات غله در گدامهای دولتی ذخیره می گردید. مهمترین بخش را محصول یا مالیه بر زمین، تشکیل می داده، که قسمت اعظم عواید دولت را در بر می گرفته است. (1)

کتگوری های مهم مالکیت بر زمین در افغانستان در نیمه دوم قرن 18 قرار ذیل بیان می گردد:

- زمینداری های دولتی، که کاملاً در اختیار شاه قرار داشته است. این زمینداری ها متشکل از زمین های تحت نفوذ شاه (Shahdomän) که بعنوان خالصه (Khalise) نام داده شده بود، زمینداری های «دیوان» بوده است. توسعه ملکیت های دولتی بر زمین در نخستین سالهای امپراتوری درانی، با فتوحات احمد شاه ارتباط می گیرد. در اواخر قرن 18، قسمت مهم این زمین ها بطور اجاره (Lehnsüter) یا عاریت در بین خان های درانی و افراد مورد اعتماد شاه درانی، جهت استفاده و تقریباً بقسم بخشش تقسیم گردیده بود.
- زمینداری های «وقف»، در اختیار تأسیسات مذهبی، که از جانب شاه و همچنان افراد خصوصی، به آنها سپرده شده بود. (2)
- ملکیت های خصوصی زمین یا ملک، که با مکلفیت های خدمات ملکی و نظامی ارتباط نداشته است. مالکین بر چنین زمین ها کاملاً تصرف داشته اند (بدین معنی که میشد بمراث بماند، بفروشد، تحفه دهد و غیره). یک ملاک یا فیودالیکه، زمین و ملک داشته است، به دولت مالیه زمین می پرداخته است. دهقانیکه روی زمین وی کار می نموده اند، حقوق بدست می آورده اند، که در ولایات مختلف متفاوت گزارش گردیده است؛
- زمین های باشندگان دهات؛
- زمینداریهای اقوام.

آنچه در فوق ذکر گردید، بهیچ صورت فهرست مکمل را نشان نمیدهد. در ولایات مختلف امپراتوری درانی، تعداد کثیری (اغلباً موجود، در یک ولایت) از اشکال ملکیت بر زمین و یا استفاده از زمین وجود داشته است. صرفنظر از تمام این تفاوتهای محلی و منطقوی، شاه از نظر حقوقی، عالیترین مقام با صلاحیت بر زمینداری ها شمرده میشده. بدین ترتیب صلاحیت حقوقی وی بر طلب مالیات از مردم ایکه ازین زمین ها استفاده می نموده اند، شناخته میشد. اساس اقتصادی دولت درانی را مالکیت بزرگ بر زمین تشکیل می داده است، مبنی بر اینکه دولت بر ساحات تحت تسلط خویش، بشکل حقوق مالیاتی، محصول تعیین می داشت. (درین امر نه ملکیت خصوصی، نه مالکیت دهاتی و نه استفاده مشابه از زمین مستثنی بوده است). تولید اضافی ایکه مستقیماً از مؤلد گرفته می شد، در بین نمایندگان طبقه متمول تقسیم می گردید.

در عین حال باید تذکر داد که از همه زمین های تحت قلمرو شاه، مالیه گرفته نمی شد: بسیاری اقوام نیاز به پرداخت مالیات نداشته اند. همچنان زمین زیاد مربوط وقف نیز از پرداخت مالیه معاف شناخته شده بود. مالیات بر زمین معمولاً از یک سوم الی یک دهم حاصلات را در بر میگرفت، این امر تابع شرایط محلی بوده است. مالیات اکثراً بطور جنسی یا غله گی جمع آوری می شده است، طوریکه مقدار ضرورت برای تخم بعدی، قاعدتاً قبل از وضع مالیات بر حاصلات، کنار گذاشته می شده است. اشکال اساسی مالیات بر زمین، که چه از زمین دیوان، چه از زمین های خالصه و سایر زمینداری های که به دولت مربوط نبوده است (یعنی زمین ملک در مالکیت خصوصی، زمینهای مربوط دهات و قسماً هم زمین های اقوام) به ثلاثت یا «مالیات سه یکه» شمرده می شده است.

به نسبت اهمیت این نوع مالیات، در گذشته یک مأمور خاص دولت، «مأمور ثلاثت» برای آن مؤظف بوده است. این مالیات فقط بر زمین های آبی تعیین گردیده بود. از زمین هاییکه آبیاری نمی شد، مالیات حرج یا (Haraj- Steuer)،

دیوانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

معمولاً یک دهم یا ده یکه تعیین گردیده بود. همچنان مالیات بر « زمین های نوآباد»، وقتی کاریز و یا کانال ها توسط افراد خصوصی و یا باشندگان دهات حفر می شده است (نه از جانب دولت)، بلند بوده است. رقم مالیات متذکره، بمثابة «نورم» پذیرفته شده بود، ولی در ولایات مختلف امپراتوری درانی و حتی در مخلص های (Makhalas) مختلف، عین ولایت نظر به شرایط طبیعی متفاوت و سایر عوامل انحراف از «نورم» گزارش یافته است. بعنوان مثال، زمینداری هائیکه با استفاده از کانال ها، بامنشأ و پیوند دریایی که تنها در فصل بهار آبیاری شده می توانسته است، رقم مالیاتی از یک سوم حاصلات یا سه یکه، به یک پنجم یا پنج یکه تنزیل یافته بود. در ختم دوره تیمور شاه، در لغمان بر زمین های آبیاری شده، از یک چهارم یا چهار یکه الی نیم حاصلات، بعنوان مالیه تعیین گردیده بود. در ماحول پشاور از یک چهارم یا چهار یکه الی یک سوم یا سه یکه (آنهم بقسم پولی) گزارش یافته است. در منطقه کمان (Kaman) همان ولایت، که در آن 10000 الی 12000 فامیل تاجیک بسر می برده اند، سالانه مبلغ 60000 روپیه، مالیه می پرداخته اند.

بدینترتیب 5 الی 6 روپیه فی فامیل. در دوران شاه شجاع، مالیات بر زمین آبیاری شده در باجور از یک سوم یا سه یکه الی نصف و بر زمینداری های کابل حتی دو سوم (از سه حصه دو حصه: مترجم)، یعنی خیلی بلند تر از «نورم» معینه، قلمداد گردیده است. بر زمین های للمی که قاعدتاً بشکل جنسی یا غله گی تعیین گردیده بود، از ارقام یک دهم یا ده یکه حاصل نیز حرف در میان بوده است، بعضاً از رقم یک پنجم حاصلات نیز گزارش نموده اند. مالیات غله گی از باشندگان دهات در وقت خرمن جمع آوری می گردیده است. مأمور دولت مقدار حاصل را بر سر خرمن اندازه نموده، قسمت مالیات حکومت را وضع می نموده است. در صورتیکه مالیات پولی می بوده است، بر هر جریب (1960 متر مربع)، بحیث واحد، تعیین حجم مالیه، تابع درجه حاصلخیزی زمین بوده است.

بر سر آب نیز مالیات وضع گردیده بود. بر سر هر کانال در هر محل باید مالک مالیه پولی می پرداخت. حجم چنین مالیه، بنابر اوسط حاصل تخمین می شده است. در صورتیکه کانال در ملکیت دولت می بود، مالک زمین باید بر پارچه یا توته زمین ایکه، ازینطریق آبیاری می نمود، مالیه نقدی می پرداخت. باغداران و مالکین تاکستان ها نیز معمولاً بر اساس ساحت، گاه گاه بر اساس هر درخت و یا تاک، مکلف به پرداخت مالیه بوده اند. علاوه بر مالیه بر زمین، اتباع باید مهمترین مالیات ذیل را به خزانه دولت تحویل می داده اند:

- مالیات دود و یا مالیات بخاری، (Khandudu): در ولایت قندهار بر هر بخاری 2 روپیه تعیین گردیده بود.
- مالیات بر مواشی، (سر گله، Sargalah)، پول و یاجنس بر هر رأس مواشی، گاه گاه هم مالیات خاصی هم بر استفاده از چراگاه ها، جمع آوری می شده است- Chopuli؛
- محصول یا مالیات بر آسیاب، معمولاً جنسی (قریب نیم خروار غله در سال)، برای اعاشه نظامیان جمع آوری می شد- سورسات (Soyursat).
- مالیه غله گی، میرابی (Mirabi)، برای امرار حیات میر آب، یعنی مأمورین ایکه مسئولیت مواظبت از سیستم آبیاری را بدوش داشته اند.
- مالیات برای اعاشه کلانسال ترین (Kedhud)،
- مالیات برای امرار حیات قاضی.

مالیات دو قلم اخیر، از هر فامیل، که در همان ساحه بسر می برده اند، جمع آوری می شده است.

علاوه بر آن، باشندگان مکلف بوده اند، تا بنابر تقاضای مقامات دولتی کار بیگاری، در بخش اعمار و ترمیم عمارت ها، قلعه های جنگی، سرک ها، پل ها و در بخش پاک کاری کانال ها و نهر ها، انجام دهند. باشندگان همچنان مکلف بوده اند، تا (اسپ چپر Asp-i-chapar) در اختیار قاصدان و مأموران دولت قرار دهند. اسپ و وسایل ترانسپورتی یا حمل و نقل. (3)

تحویل بیگار و اسپ چپر برای دهقانان و کسبه کاران خیلی سنگین بوده است، طوریکه غبار می نویسد: دایماً از جانب زمامداران، روحانیون و خانها به همچو امور «بی مزد»، جبراً کشانده می شده اند. کوچی های سیار و مالداران که همیشه اقامتگاه های خود را تغییر می داده اند، کمتر از انجام کار های جبری متضرر می شده اند. (4)

تمام غیر مسلمانان به پرداخت یک مالیه خاص، مالیه روحی (Seelensteuer-Jizia) (جزیه - مالیه روحی) مکلف بوده اند. برعلاوه از همه مکلفیت های فوق، یک سیستمی از پرداخت ها، به اصطلاح ابواب (Abwab)، که تعداد و حجم آن، نه بر طبق شریعت و نه بر طبق فرمان پادشاه، بلکه در مطابقت با قانون عرفی، معین میگرددیده است. اکثرآ چنین حواله ها، بشکل جنسی یا «نتورال»، از دهقانان گرفته و به فیودالان محلی و مأموران دولتی سپرده می شده است.

کسبه کاران شهری، به پرداخت پول و جنس مکلف بوده اند. حجم چنین مکلفیت بر حسب کیفیت و نوع تولید آنها متفاوت بوده است، در کشمیر بعنوان مثال، یک پنجم قیمت تولید کار دست، باید بطور مالیه پرداخته می شد. (5)

«ار. دانیبگوف» (R. Danibgow) می نویسد: «کسبه کاران کشمیر جرأت آنرا نداشته اند که حتی یک شال گردن را» بدون مهر حاکم بفروش رسانند، روزانه از آنها 3000 روپیه جمع آوری می گردیده است.» (6)

تاجران شهری و کسبه کاران، مجبور بوده اند، یکسلسله از مالیات خاص را به نفع Mirsahab و Muhtasib منحل گردند. (7). در کابل، پشاور، قندهار و هرات بشمول سایر شهر های بزرگ، مکلفیت های دشواری داشته اند، که در وقت نقل و مکان و یا سفر های پادشاه و درباریان از یک شهر به شهر دیگر، در خدمت Orda-bazar قرار گیرند. چنین بیگاری ها در سال یک ماه را در بر می گرفته است. با وجود آنکه کار کسبه کاران باید پرداخته می شد. ولی این امر بطور کامل و منظم انجام نمی یافت، صرفنظر از آن، قسمت مهم مزد در دست وابستگان دربار و آمران سازمانهای صنفی کسبه کاران، می مانده است. (8). تاجران از چنین بار کمتر محسوس بوده اند.

استحصال سنگ از معادن و نمکسار ها، برای مدت یکسال در اختیار تاجران و کسبه کاران قرار می گرفت، تا یک پنجم عواید را به حساب دولت تحویل دهند. عواید بزرگ خزانه دولت از مدرک محصول گمرکی و محصول راه (گمرک و رهداری)، بدست می آمده است. محصول گمرکی، 5،2 فیصد قیمت کالا ها را تشکیل می داده است. اما رؤسای ولایات، حاکمان، محصول گمرکی را گاه گاه به 5 فیصدو حتی بالاتر، ارتقا می داده اند. (9)

بعضی اوقات در تعیین محصول گمرکی، قیمت کالا را در نظر نگرفته، بلکه بر طبق تعداد حیوانات بارکش و یا باربر (Packtiere)، مستقل از وزن حمل شده، محاسبه می نموده اند. محصول گمرکی بر دوش تاجران سنگینی می نموده است. البته نه تنها در جائیکه اموال بفروش می رسید، مکلف به پرداخت می شده اند، بلکه در مسیر راه، بعضاً در چندین محل و چندین مرتبه، باید می پرداخته اند. طوریکه «جی. فوستر» (G. Foster) می نویسد: در مسیر راه جمو تا کشمیر در هر 10 - 12 میل، محل کنترل گمرکی وجود داشته است. اجاره داران گمرکی، که چنین مقامات یا مواضع را به اجاره یا («تیکه»: مترجم) گرفته بودند، تلاش داشته اند، تا از تاجران و مسافران حد اعظمی محصول را بدست آورند. (10)

علاوه از آن، تاجران و مسافران باید انواع محصول های کوچک دیگری هم می پرداخته اند، بعنوان مثال هر کسیکه به کابل می آمد، باید چراغ (Chiragi) (از کلمه چراغ - روشنی دهنده)، برای روشنی دفتر گمرک می پرداخت. با عبور از دریا، باید فی نفر آلی یک روپیه می پرداخته اند. (11). البته پرداخت های کوچک دیگری هم وجود داشته است. عواید خزانه دولت از مدرک گمرک و رهداری، بخش خیلی مهم را تشکیل می نموده است. در کشمیر تنها محصول اموال وارداتی از تبت (Tibet)، سالانه 100000 روپیه تخمین می گردید. (12). در کابل، پادشاه در اخیر قرن 18، تنها از مدرک پرداخت مالیات از جانب تاجران، سالانه 6 - 7 لک روپیه عاید داشته است. (13).

جمع آوری مالیات، معمولاً بطور اجاره یا «تیکه» سپرده می شد، که فاصله های دور از مرکز دولت را در بر می گرفت. اغلباً حاکمان در رأس چنین وظایف، یعنی در بلند ترین مقام اجاره گر مالیات ولایات، قرار داشته اند. در یک فرمان تیمور شاه در ماه محرم سال 1202 هجری (اکتوبر 1787)، طوریکه عزیزالدین پولزایی حرف به حرف نقل نموده است، روشن می گردد، که Qullar-aquasi (فرمانده Qullars)، سرفراز خان بارکزی در عین حال حاکم و اجاره دار مالیات (مستأجر مالیات) در ساحة دولت غلزایی (Ghilzai - Staates)، بوده است. (14) حاکم (از جانب خود) دوباره مالیات محلاتیکه (Makhals)، تحت اداه اش قرار داشت، دوباره به اجاره داده است. اجاره گر، مالیاتی در یک محل می توانست بطور دلخواه، بخشی از محل مربوطه اش را به شخص دیگری به اجاره بدهد. لیکن در برابر رئیس ولایت در رابطه با حصول مالیات این محل، مسئولیت مستقیم بدوش داشته است. با اجاره گر یا اجاره دار، قرارداد به امضا می رسیده است، که در آن سرحدات و مساحت منطقه اجاره شده، رقم قابل تحصیل مالیات و قسط پرداخت درج می گردیده است.

برای هر محل (Tuman oder Pargan)، مبلغ تعیین شده مالیات، بر هر یک از دهات مربوط محل تقسیم می گردید. مالیات بر قریه بطور کل تعیین می شد. رقم کلی مالیه، بر هر حویلی دهقانی (اگر لازم می شد)، از جانب کلانسال ترین باشنده قریه (درحقیقت ملک و یا موسفید با نفوذ قریه: مترجم) تقسیم می گردید، که در برخی حالات مالیات را جمع آوری نموده، به اجاره دار (ویا به شخصی که از جانب وی معرفی می گردید)، تسلیم می داد. گاهی هم به مأمور دولت تسلیم داده می شده است. مکلفیت و مسئولیت متقابل ایکه، دهقانان به آن وابسته بوده اند، عواید قاعدوی مالیات را تضمین می نمودند. اجاره داران طبق معمول مالیات جنسی از دهقانان، دریافت می داشته اند، بعد از آن به نفع آنها در محلات و مراکز تجمع محصولات، بفروش می رسانیده اند.

ازین مالیاتیکه ناظم (Nazim) محل، حصول می داشت، مصارف محل او تمویل می گردید. یک قسمتی از آنرا به حاکم (رئیس ولایت)، می سپرد. حاکم سالانه راپوری را در رابطه با مالیات جمع آوری شده و مصارفات آن (اداره ولایات و اعاشه عساکر مستقر در آنجا وغیره) به عالیترین دیوان (Diwan) می فرستاد. ضمیمه راپور، مجموعه نیز

به پایتخت فرستاده می شد، که ولایت به خزانه دولت فرستاده بود. راپور حاکم، جهت ارزیابی، به عالیترین دیوان، حضور پادشاه جهت تصدیق تقدیم می گردیده است. در صورتیکه کدام باقی داری در ولایت از مدرک مالیات جمع آوری شده می ماند، در رابطه حواله یا ورقه خاص فرستاده می شد، تا از ولایت تسلیم شده می توانست.

در بخش جمع آوری مالیات، تا جائیکه منابع در اختیار ما قرار داشته است، خود سری مسلط بوده است. مأمورین و اجاره داران تلاش می ورزیده اند، تا حد اعظمی مالیات را از اتباع تحت اداره و نفوذ آنها، استحصال نمایند. نورم های حقوق شرعی درج شده، در عمل بندرت در نظر گرفته می شد. این همه به استنثار سنگین دهقانان، کسبکاران و قشرهای پائینی تاجران، انجام می یافت. مسئول جمع آوری مالیه، طبق معمول، از جانب رئیس و لایت، یا از جانب ناظم محل، خودسرانه تعیین میگردید. بوفرت دیده می شد، که حاکم و مأموران مسئول مالی، به صلاحیت خود، مالیات اضافی را وضع می نموده اند. برحسب معلومات، زمانیکه شجاع پادشاه می شود، بعضی ازین مالیات را بالا برده است، که در زمان سلف او، شاه محمود در ولایت کابل به حجم بیش از 200000 روپیه، در سال جمع آوری می شده است. استحصال کنندگان مالیه، «Sazawal» در رأس واحد های مسلح وارد دهات می شده اند. همه آنچه ممکن بود، با خود می بردند. آنچه باقی می ماند، مقاومتی بود که مردم گاه گاه در برابر آنها از خود نشان می دادند.

تحت حاکمیت احمد شاه، مالیات سالانه در پنجاب، بیشتر به تاراج شباهت داشته است، نه با جمع آوری مالیات. (15) روز امروز در آنجا، تا به حال ضرب المثلی موجود است که میگویند: «چیزیکه ما خورده و نوشیده ایم، مربوط ماست، متباقی مال احمد شاه است.» (16). در باره مردم کشمیر، باشندۀ پایتخت «کریزانوس فن نوپترس» (Chrysanthus von Nowopatras)، نوشته است: «توده های بی بضاعت در فقیرترین سطح قرار دارند.» (17). در چنین شرایط دشوار، همچنان اقوام غیر افغان ولایات غرب، قرار داشته اند. تاجیک ها و ایماق ها خوش می بوده اند، اگر مسئولین جمع آوری مالیات از آنها دوبرابر آنچه بر طبق قانون تعیین گردیده بود، می گرفتند. (18).

محققان افغانی تاریخ تا همین امروز، خودسری پادشاهان درانی را در رابطه با جمع آوری مالیات از مردم، تائید نموده اند. (19). درین تخلفات هم ضعف مأموران حکومت مرکزی و هم عدم موجودیت معاش ثابت برای مأموران دولتی نقش داشته، علاوه بر بخش جمع آوری مالیات، بصورت مختص، پلان مالی سالانه در بخش عواید و مصارف وجود نداشته است.

تخلفات صریح همچنان در قسمت محاسبات در خزانه دولت بمشاهده رسیده است. مأموران و سران ولایات از برکت داشتن رشته های مناسبات با دربار می توانستند، چنین تخلفات را عملی سازند. بعنوان مثال، نواب جبار خان، که در زمان شاه محمود، رئیس یا زمامدار دیره اسمعیل خان بوده است، توانسته است مبلغ 3 لک روپیه اختلاس نماید. او باید کور می گردید، ولی از برکت حمایت برادر نواب، سردار محمد عظیم خان قدرتمند، مورد عفو پادشاه قرار گرفت. طوریکه G. Vigne می نویسد، خیمه سرخ فوق العاده نیز نقش داشته است که جبار خان برای پادشاه تحفه داده بود. نواب متهم به اختلاس، بزودی پس از آن، حتی ترفیع نموده و بحیث حاکم کابل مقرر گردید. (20).

یادداشت ها ولیست منابع مؤخذ:

منبع نشر: «علوم اجتماعی و زمان حاضر»، اکادمی علوم اتحاد شوروی سوسیالیستی، مسکو 1981
(1) مقایسه با «وی. مورکروفت، گی. تریبیک، سفر به همالیا، ولایات هندوستان و پنجاب ... از 1819 تا 1825، جلد II، لندن 1841، صفحه 357 - 358. «ام. ایلفنستون»، یک ارزیابی پادشاهی کابل و متعلقات آن در «پارس»، تارتاری (Tartary)، و هندوستان، دارای دید ملت افغان و تاریخ پادشاهی درانی، لندن 1815، صفحه 524»

(2) مقایسه با «ام. ایلفنستون»، یک ارزیابی ...، صفحه 218، 540.

(3) مقایسه با «ام. ایلفنستون»، یک ارزیابی ...، صفحه 509.

(4) مقایسه با «ام. غبار»، احمد شاهبابای افغان، صفحه 102. (میر غلام محمد غبار، احمد شاه «اوسنوائل افغانسکو گوسودارستوا»، مسکو 1959)

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درېت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ

- (5) مقایسه با «ام. ایلفنستون»، یک ارزیابی ...، صفحه 509.
- (6) «ار. دانیبیگوف، پوتچیسٹویی وو ایندجو گروزینسکوگو دورجانینا رافایلا دانیبیگوا، مسکو، 1819 صفحه 41 - 42
- (7) مقایسه با «گی. فوستر، یک سفر از بنگال به انگلستان، از طریق قسمت شمال هند، کشمیر، افغانستان و پارس، به روسیه، از طریق بحیره کسپین، جلد II، لندن 1798، صفحه 28.
- (8) مقایسه با، «اچ. وی. بیلوی»، یک راپور بر یوسفزایی ها، در شش فصل و یک نقشه، لاهور 1864، صفحه 206
- (9) مقایسه «گی. تی. ویگنی، شرح سفر به غزنی، کابل و افغانستان و از دربار دوست محمد خان، لندن 1840، صفحه 32.
- (10) مقایسه با «گی. فوستر، یک سفر از بنگال ...، جلد 1، صفحه 301 - 302.
- (11) مقایسه، همانجا، صفحه 300.
- (12) «ار. رانیبیگوف، پوتچیسٹویی..، صفحه 46.
- (13) «اچ. گی. راورتی، یادداشتهای افانستان و بخشی از بلوچستان، استخراج خلص جغرافیایی و ایتنوگرافیکی از نوشته های کم آشنای مؤرخین تاجیک، جغرافیه دانان و نسب شناسان، لندن 1880.، صفحه 65.
- (14) مقایسه با عزیزالدین پولزایی، تیمور شاه درانی، صفحه 174.
- (15) مقایسه با، «گزیتر» پنجاب 1888 - 1889، کلکته، صفحه 80.
- (16) مقایسه باسید محمد لطیف، تاریخ پنجاب..، صفحه 302
- (17) «چیتینیا و امپراتورسکوم اوبستچیسٹوی ایستوری ای. درینوستیی روسیسکیخ، جلد 1، سانت پیتربورگ، 1861، صفحه 13.
- (18) مقایسه «جی. پی. فیریر، تاریخ افغانستان، لندن 1858، صفحه 323.
- (19) مقایسه با م. غبار، احمد شاه بابای افغان، صفحه 161 - 163.
- (20) مقایسه «گی. تی. ویگنی، یک گزارش شخصی ... صفحه 146.

ختم بخش اول

ادامه دارد